

از خاد ششدرک تا قتلگاه پلچرخ

محمدشاه فرهود

رنجهای مقدس، نام کتابی است که هر واژه آن از ذخیره رنج، مایه گرفته است. این کتاب با قهقهه دسته جمعی دژخیمان "خاد" که برای دستگیری نویسنده در خانه اش به کمین نشسته اند، آغاز می گردد و با شکنجه، تحقیق، محکمه ایدئولوژیک و به انتظار اعدام نشستن، ادامه میابد. کتابی که در خاموشی صفحات و سطورش صدای ساطور جلاخان جاریست. برگ برگ این کتاب، از یکسو، از زجر حماسی دستگیر شدگان، شکنجه شدگان و اعدامیان سخن می گوید و از سوی دگر، پرده خونین را با انگشتان بر آمده از گور شهدا، از روی مجسمه جنایات "حزب دموکراتیک خلق" بر میدارد.

نسیم رهرو در ماه اسد 1360 به جرم دگر اندیشی و نپذیرفتن کودتا و اشغال شوروی، بوسیله دژخیمان خاد از خانه اش در کابل دستگیر میگردد و بعد از شکنجه در خاد ششدرک و صدارت، برای تداوم شکنجه و تحقیق به زندان پلچرخ انتقال داده می شود، نویسنده، مدت ده سال را در کوته قلفی های بلاک اول و در پنجره های سایر بلاک های پلچرخ در انتظار اعدام بسر برده، و در هر نفس برای تیرباران خویش لحظه شماری می کند. رنج های مقدس، قصه ها و روایاتی است که مؤلف با صد درد و هزار رنج، آنرا به نگارش درآورده است. هرچند نوشتن درباره زندان، شکنجه و اعدام زجرآورترین نوع خاطره نویسی و نوشتار است، اما زندانیانی که توانسته اند با تن و انگشتان زخمی این خاطرات، درد ها و تحلیل ها را به متن تبدیل نمایند، در واقع بخشی از خلای ادبی و تاریخی را در یک دوره معین، در جهت جنایت شناسی پر نموده اند.

رنج های مقدس نشان میدهد که دستگاه خاد در زیر سایه خونین شوروی، جنایات سیستماتیکی را انجام داده است. کسی که بوسیله مستنطق خاد، در ریاست های خاد و صدارت شکنجه و توهین شده باشد، کسی که در دهلیز ها و اتاق های پلچرخ به حیث اسیر سیاسی، چارمیخ گشته باشد، کسی که تا پشت زندان ها بیاد عزیزان گم شده خود پایوازی رفته باشد، کسی که به حیث ورثه شهید تا هنوز در گلیم غم نشسته است، میداند که، زندان، شکنجه و اعدام بخشی از کارنامه های سیاه حزب دموکراتیک خلق بوده است. رنجهای مقدس درباره زندانیان و شکنجه گران است. درباره اعدام شدگان و جلاخان است. در این کتاب از زجر زندانی قصه می شود. محبوسی که اسیر دم و دستگاه خاد و کی جی بی شده است و بخاطر آزادی و پاسداری از حیثیت مردمش در برابر شکنجه گر حزبی و ساطور شوروی ایستاده است. نویسنده، در این کتاب نه تنها در باره خود و همدوسیه های خویش سخن میگوید بلکه با تمام صداقت و امانتداری در باره سایر زندانیان، مجاهدین و مخالفین سیاسی نیز سخن می زند. برای نویسنده مهم این نیست که اعدامی مربوط به کدام تنظیم و سازمان است، اعدامی در هر حالتی اعدامی است و نویسنده از وضعیت اعدامی حکایت می کند. نویسنده با عزم و انصاف از همه آنانی که در شب های پلچرخ مرمی باران شده اند، به دفاع بر می خیزد.

فراموشی، ما در دوره فراموشی بسر می بریم. جناباتی که در پیش روی چشمان ما اتفاق افتیده است، آهسته آهسته حتا در نسل موجود، فراموش میگردند. حافظه شفاهی نمی تواند از نسلی به نسل دیگر

انتقال نماید. استمرار جنایت و پرده پوشی های سرکاری ، روند اغماض و فراموشی را بیشتر از پیش تاریک ساخته است. نوشتن درباره جنایات سازمانیافته حزبی و دولتی، از یکسو خلای فراموشی را پُر می کند ، از سوی دیگر می تواند بهترین نوع دفاع از جانباختگان ، آزادی و عدالتخواهی باشد.

در میان صدها فراموشی و خاموشی ، نعره اعدامی و صدای زندانی نیز خاموش و فراموش مانده است. تهنکوی های ریاست های خاد ، حفره های پولیگون و قفس های پلچرخی ، در پیشگاه قربانیان به فراموشی سپرده شده اند. اکثریت زندانیان زنده مانده ، آنقدر خنجر و تیر خورده اند که خاطرات زندان و شکنجه آگسا ، کام ، خاد و واد از نوک انگشتان شان پریده است. وقتی به پهنای جنایات حزب دموکراتیک خلق می اندیشم ، به این گمان اندر می شوم که نوشتن درباره چهارده سال جنایت ، به نوشته شدن خاطرات هزاران زندانی ضرورت دارد ، اما متأسفانه ، ادبیات مستند ، خاطراتی و تحلیلی زندان کمتر به سند و نوشتار تبدیل گشته است. صد ها کتاب حرف و سخن ، در این حوزه بر داربست نانویسی آویزان مانده است. متن هایی که شکنجه ها و تیرباران ها را از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ به بیان آورد ، یأس انگیز ، کم حجم و بی رمق است. هزاران هزار انسان این سرزمین به دلیل مخالفت با کودتا و تجاوز شوروی دستگیر ، شکنجه و اعدام گردیده اند ، اما تعداد کمی از زندانیان توانسته اند خاطرات شان را برای دادخواهی و برای نسل های آینده مستند گردانند. کتاب رنجهای مقدس یکی از همین نوشته هاست که با خون دل نوشته شده است ، هر خط این کتاب علیه فراموشی می ایستد. رنج های مقدس گنجی است که از ریشه های رنج تراویده است.

معرفی آدمها ، میدانم که نوشتن در باره شکنجه و اعدام ، کار آسانی نیست. من خودم دوازده سال را در شکنجه گاه صدارت و قتلگاه پلچرخی ، شکنجه و اذیت دیده ام ، میفهمم که نویسنده با نوشتن هر سطر در مورد شکنجه و تحقیر خاد ، دوباره شکنجه می گردد ، با نوشتن هر جمله در مورد شکنجه گر و جلاد و رگبار ، با وی تا اتاق شکنجه و میدان تیرباران میرود... من نیز زهر نظارتخانه صدارت را چشیده ام و میدانم که هزاران ورق بکار است تا محتوا و فضای دردانگیز این مکان خونآلود را توضیح نماید. بلاک اول پلچرخی ، بلاک اعدامی هاست و منزل اول آن برای شکنجه و تحقیق.

من نیز در بلاک اول در وینگ شرقی کوه قلفی بوده ام. پس از شکنجه های طولانی ، در انتظار اعدام مانده ام میدانم که شرح حال اعدامیان و مستی جانیان در بلاک اول پلچرخی مثنوی هفتاد من کاغذ می طلبد. شمس الدین پنجشیری قومندان بلاک اول ، عبدالرزاق عریف مسؤل عمومی استخبارات و امور سیاسی پلچرخی ، خواجه عظامحمد قومندان عمومی پلچرخی ، حنیف شاه مسؤل تیم رگبار... نامههایی است که تمامی جنایات زندان پلچرخی در زیر اداره حزبی شان روی داده است. متأسفانه تا هنوز ما زندانیان زنده مانده ، نتوانسته ایم نامه های تمامی کسانی که در ریاست های خاد ، صدارت ، محکمه اختصاصی انقلابی ، خارنوالی اختصاصی و زندان پلچرخی ، جنایات سیستماتیک را مدیریت کرده اند ، معرفی نمائیم. ضرورت است که جانیان و شکنجه گران معرفی شوند تا برای مؤرخین ، محققین و دادخواهان ، اسناد و مدارک ایجاد گردد. در کتاب رنج های مقدس ، معرفی جانیان ، حسی و عینی است. از رابطه مستقیم مؤلف فوران میزند.

آدمها در رنجهای مقدس آنگونه که هستند معرفی میگردند. یکی از ویژگیهای منصفانه کتاب این است که دوست و دشمن را با صفات واقعی شان ، بدون تعصب به تصویر می کشد... همانگونه که غلام غوث ، جاسوس مشهور و کارکشته ریاست عمومی تحقیق صدارت (دست پرورده جنرال عبدالغنی عزیز رئیس عمومی تحقیق خاد) متکی به حقایق معرفی می گردد به همانگونه انجنیر نادرعلی پویا که یکی از عجایب مقاومت در صدارت و پلچرخی است ، بطور واقعی توصیف می گردد. در توصیف زندانی و اعدامی مبالغه نمی کند و به

همین گونه در تشریح شکنجه گر و جلاد نیز غلو نمی کند. سطح سواد و سادیسیم شکنجه گر و زندانبان را آنگونه که بوده است، روایت می کند. از مقاومت زندانی، اسطوره و افسانه نمی سازد، آنچه را که دیده است و حس کرده است، بیان می کند. دیوانه و دهن پاره را با ادبیات خودشان به نمایش میگذارد و شاعر و مبارز آگاه را با ژست و ادای خودشان به بیان می آورد.

لست پنجهزار، وقتی که لست پنجهزار شهید در هالند نشر شد، به زودی مانند بمبی دنیا را تکان داد. جانیان آگسا، کام و خاد در خاموشخانه حزب منحل، مانند بقایای آشویتس، در دایره شرم شاریدند. اسناد کاغذی گواهی میدهند که کودتاچیان با دستگیری و کشتار خود فاجعه ای آفریده اند که در تاریخ معاصر جهان کمتر اتفاق افتیده است. لست پنجهزار قربانی نشان می دهد که جانیان حزبی بالای هیچ کسی رحم نکرده اند، از شاگرد سماوارچی تا دیوانگان دوره گرد، از استاد پوهنتون تا دریور ملی بس، از دهقان بی زمین تا فئودل، از مالک فابریکه تا دستفروش فقیر، از محصل و متعلم تا شاگرد مستری، از مامور و معلم تا کارگر روزمزد، از تاجر تا علامه و متخصص و دانشمند را دستگیر، شکنجه و اعدام کرده اند.

وقتی که قسمت هایی از "رنجهای مقدس" طی سالیان اخیر، در انترنت انتشار یافت، شکنجه گران و جلادان حزبی با پوشیدن نقاب سیاه، با نامهای مستعار، به طور جلادانه ای به انکار و دعوا جلیبی های مضحکی در صفحات انترنت دست یازیدند، از تأیید و اعتراف به دستگیری ها، شکنجه ها و اعدام ها به طور دربست امتناع ورزیدند و تا هنوز هم امتناع می ورزند. بعد از انتشار لست، پرچی ها و خادیسست هازمزمه کردند که این لست، جنایات آگسا و کام (خلقی ها) را بیان میدارد...، اما نمیدانند که لست های دیگری در راه هست که جنایات خاد و واد را عریان کند.

چند سال قبل زمانی که من خاطرات، تحلیل ها و چشمدید های دوازده ساله خود را از زندان های صدارت و پلچرخ در دو جلد کتاب زیر نام "جنایات حزبی" نوشتم، شکنجه گران می گفتند اسناد و مدارک ارائه کنید که ما شکنجه کرده و آدم کشته ایم، ادعا می کردند که این مخالفین سیاسی ماست که بالای ما تهمت می زنند، با بیرحمی تمام، دهن و دامن خونالود را با انکار و اغماض پُت می کنند. رنج های مقدس نیز پر از قصه های اعدامیان است، اعدامی هایی که اکثر شان از کنار نویسنده بسوی پولیگون رفته اند.

رنجهای مقدس از تجربه ای سرچشمه می گیرد که نویسنده در آن زیسته است. رنجی که بعد از گرفتاری اش آغاز می گردد. رنجی که طی ده سال در زره زره وجودش رسوب کرده و اینک در آتش کلمات فوران می زند. رنجهای مقدس، حاصل چشمدید های یک زندانی است زندانی ای که مدت ده سال را در سلول های بلاک اول، بلاک دوم و بلاک سوم پلچرخ سپری کرده است. آری ده سال تمام در انتظار تیرباران.

هفت سالم بسود سو و دهک

پس از آنم سه سال قلعه نای

اثر مستند، نویسنده، رُمان نمی نویسد که از بافت تخیل و تجربه، واقعیت نوین بیافریند. نویسنده، نویسنده رنج بدن و زخم روان است، رنج و زخمی که در تن و روانش کاشته شده است. رنجهای مقدس با انگشتان زخمی و روان ضربت خورده، به متن تبدیل می شود. متنی که در هر سطر و هر صفحه، خشونت یک جلاد، فریاد یک اعدامی و ناله یک زندانی را بازتاب می دهد.

نقد و بررسی هر اثر مستلزم تأویل فرم، ساختار و محتوا است. کتاب رنج های مقدس نیز می تواند از زوایای گوناگون مورد مطالعه و تحلیل قرار بگیرد. زبان، اندیشه، سندیت، ادبیت، احساس و عاطفه، فرم، مضمون، ساختار روایت، حقیقت، معرفی افراد، زیباشناسی... و چیزهای دیگری را می توان به بحث کشید.

هر کتابی بعد از نشر مورد نقد و بررسی قرار میگیرد. رنجهای مقدس نیز کتابی است که منتقدین و مؤرخین به آن برخورد خواهند کرد. ما در عصر نقد مؤلف زندگی نمی کنیم بلکه در عصر نقد تألیف بسر میبریم. نقد و تأویل، پدیده ای است که هر منتقد و تحلیلگر بنابر سلیقه و ذخایر ذهنی خود به آن می پردازد. من درین نوشتار کوتاه قصد ندارم که رنجهای مقدس را مورد نقد و بررسی قرار بدهم، بل میخواهم احساس و تجربه ای را که مستقیماً از شکنجه و زندان گرفته ام برای تأیید این نوشتار شریک سازم.

خاطرات زندان، رنجهای مقدس، با کشیدن رنج مجدد به مرحله نوشتن رسیده است. چقدر دشوار است

وقتی که یک زندانی از خاطرات شکنجه و اعدام می نویسد، در حین نوشتن متوجه رمز و راز ادبی نیز باشد. ادبیات زندان یک بخشی از متون این سرزمین را تشکیل میدهد. بررسی ادبیات زندان (شعر، داستان، خاطرات، نامه ها، ...) نشان میدهند که درین سرزمین چه چیزهایی که نگذشته است. رنجهای مقدس در زندان نوشته نشده است اما خاطرات زندان است، تجربه مستقیم زخمهایی است که پیپی از شش جهت بر سر رهرو ریخته است. خاطراتی که اینک هزاران کیلومتر دور تر از زندان ششدرک، صدارت و پلچرخی، در فضای آزاد و بدون سانسور (در یمگان هالند) به نگارش آمده است.

رنجهای مقدس، تجربه دستگیری و شکنجه نسیم رهرو است. این مرد شکنجه شده، یکی از زندانیان مقاوم و تسلیم ناپذیر زندان پلچرخی است که با پذیرش درد و رنجهای مستمر، مدت ده سال را در زیر چرخه خشونت در انتظار اعدام بسر برده است. مقاومت کردن در شکنجه گاه خاد ششدرک، اعتراف نکردن در اتاقهای مرگ صدارت، تسلیم نشدن در کوته قلفی های پلچرخی، ده سال در هر ثانیه، منتظر اعدام ماندن کار انسان های منحصر به فرد میباشد که نویسندۀ رنجهای مقدس از شمار همین انسان های سرفراز و مقاومی است که زره زره اعدام شد اما سر تسلیم به دیوار خاد و تواریش نسائید.

در کشور ما سی و شش سال است که جنگ و استبداد قربانی میگیرد. جنایت به طور متناوب تکرار میگردد. در فضایی که خرمهره بر انگشتر سلیمان حکومت می کند و نام زندانیان و اعدامیان از خاطره ها رفته است، معرفی عده ای از زندانیان و اعدامیان، توضیح جنایات برخی از جانیمان، نوعی مبارزه با فراموشی است. رنجهای مقدس برای هزاران اعدامی گمنام نوعی از سپاهی گمنام است.